ادامه از صفحه ۴

احمدی‌نژاد ذوب‌آهن را زیان‌ده کرد

با توجه به هدف‌گذاری‌های انجام‌شده، این تسهیلات در پروژه‌های توسعه‌ای اخذ و به‌موقع براساس تعهدات منعقدشده با بانک‌ها، اقساط پرداخت می‌شود و حتی تأخیری در این زمینه ندارند. به طور نمونه برای توسعه پالایشگاه ستاره خلیج فارس تاکنون چهار میلیارد یورو سرمایه‌گذاری شده است». به گفته نوروززاده، اگر اخذ وام برای جبران هزینه‌های جاری سازمان تأمین اجتماعی باشد، جای نگرانی و به منزله نابودی است. این در حالی است که در یک سال گذشته سود پرداختی به تأمین اجتماعی پس از پرداخت اقساط وام‌های سررسیدشده بود.

برنامه‌های شستا برای ادامه حضور در بورس

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی (شستا) همچنین درباره برنامه‌های این شرکت برای عرضه زیرمجموعه‌ها در بورس گفت: «اکنون شرکت‌های عضو بورس شستا شامل هلدینگ‌های تاپیکو (نفت و گاز و پتروشیمی تأمین) و تیپیکو (سرمایه‌گذاری دارویی تأمین) است. از مجموعه شرکت‌های سیمانی «سیمان تأمین» در بورس نیست و درصدد عرضه در این بازار سرمایه هستیم». به گفته او، درحال‌حاضر هلدینگ‌های حمل‌ونقل، صنایع عمومی و سیمان تأمین در حال آماده‌شدن هستند تا در زمره شرکت‌های بورس درآیند: «از بورس درخواست کردیم وضعیت سه هلدینگ شستا را برای عرضه در بورس بررسی کند. بورس در حال بررسی این سه هلدینگ است تا کمتر از پنج درصد از سهام آنها را در این بازار سرمایه عرضه کنیم تا کشف قیمت شود؛ بعد از آن تا ۳۰ درصد سهام آن را در بورس واگذار می‌کنیم؛ به‌طوری‌که ۶۴ درصد مجمع عمومی در اختیار شستا بماند». او همچنین درباره برخی اظهارنظرها درباره قیمت‌شکنی شستا در بازار سیمان هم گفت: «وضعیت بازار سیمان در کشور مناسب نیست؛ امروز توان تولید ۷۰ میلیون تُن سیمان را در کشور داریم؛ اما در شرایط رکود، بازار کنونی توان خرید این میزان تولید را ندارد و همین مسئله برای کارخانه‌ها به معضلی تبدیل شده است؛ برای اینکه هزینه جاری خود را تأمین کنند. برخی واحدها تا مدتی برای جبران هزینه‌های خود، سیمان را زیر قیمت بازار رقابتی می‌فروختند و این سبب شده بود تا دلال‌ها با خرید و انبارکردن، سودهای زیادی ببرند. برای جلوگیری از ادامه این روند، شستا در هماهنگی با بنیاد مستضعفان و بخش خصوصی؛ یعنی انجمن صنفی تولیدکنندگان سیمان، به تفاهمی برای تعیین میزان تولید دست یافت؛ هرچند این میزان تولید کمتر از ظرفیت تولید است؛ اما برای جلوگیری از کاهش قیمت بازار، توافق شد هیچ‌کدام از تولیدکنندگان زیر قیمت توافق‌شده نفروشند و وارد حوزه فروش یکدیگر نیز نشوند. درواقع مشتریان یکدیگر را با قیمت‌شکنی به سمت خود جلب نکنند. با این هماهنگی‌ها، ظرفیت تولید را پایین آوردیم و توانستیم وضعیت تولید و بازار را بهبود ببخشیم. اکنون شستا ۴۰ درصد سیمان کشور را تولید می‌کند که با مدیریت درست به گونه‌ای عمل کردیم که اگر سود درخورتوجهی نداشته باشیم، تولید همراه زیان نیز نداشته باشیم».

سرانجام ذوب‌آهن چه می‌شود؟

شرکت ذوب‌آهن اصفهان یکی از اصلی‌ترین شرکت‌های زیرمجموعه شستا به شمار می‌رود. مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی درباره چگونگی بهبود وضعیت این شرکت هم گفت: «تراز مالی ذوب‌آهن نشان می‌دهد زیان دو سال گذشته به تدریج کمتر شده؛ به‌طوری‌که امسال به سوددهی می‌رسد. این عملکرد به دلیل مدیریت درست در این مجموعه است. ذوب‌آهن از کارخانه‌های زیان‌ده بود؛ زیرا در دولت گذشته ۱۰ هزار نفر نیروی کار جدید را به ۶ هزار نیروی قبلی اضافه کردند. در واقع به همه این ۱۶ هزار نفر ظلم شد؛ زیرا نمی‌توانیم و نمی‌خواهیم آنها را اخراج کنیم؛ بنابراین مجبور شدیم این مجموعه را مدیریت و با سرمایه‌گذاری به سمت بهبود وضعیت سوق دهیم». او تلاش برای کاهش هزینه‌ها را نیز ازجمله راهکارهای کاهش زیان ذوب‌آهن عنوان کرد و گفت: «ازجمله اقدامات انجام‌شده برای کاهش هزینه‌ها این بود که امسال از یکی از هلدینگ‌های شستا که در بخش انرژی در نیروگاه در شهرهای مشهد، بندرعباس و تبریز فعال است، برق گرفتیم. این واحدهای نیروگاهی برق تولیدی خود را در اختیار دولت قرار می‌دهند تا دولت به مصرف‌کننده بفروشد و پول نیروگاه را بدهد؛ درصورتی‌که نیروگاه مصرف‌کننده داشته باشد، می‌تواند از خط انتقال وزارت نیرو استفاده و فقط حق ترانزیت پرداخت کند و برق خود را به مصرف‌کننده بفروشد. این روش تأمین برق در ذوب‌آهن سبب شد هزینه کارخانه‌ها کاهش یابد. از دیگر اقدامات انجام‌شده در ذوب‌آهن استفاده ترکیبی از گندله و سنگ‌آهن در کوره بلند به جای سنگ‌آهن و کک است. این اقدامات هرچند زمان‌بر است؛ اما سبب کاهش هزینه و حرکت به سمت سوددهی می‌شود».

قانون به‌کارگیری بازنشستگان شامل شستا نمی‌شود

گاهی اخباری درباره حضور بازنشستگان و همچنین افراد در هیئت‌مدیره چند شرکت زیرمجموعه شستا منتشر می‌شود که نگرانی‌هایی را به دنبال دارد. مدیرعامل این شرکت در پاسخ به این نگرانی‌ها هم گفته است: «هیچ فردی حق ندارد در هیئت‌مدیره یا بخش‌های بیش از یک شرکت فعال باشد؛ اگر در جای دیگر نیز فعالیت کند، محکوم به پس‌دادن همه حقوق و دریافتی‌هایی است که تاکنون گرفته است».

politics@sharghdaily.ir

آخرین پیگیری‌های فاطمه سعیدی از تصادف دختران هرمزگانی

پرداخت دیه کامل، کمترین کار است

شرق، آمنه شیرافکن: حادثه بس تلخ بود و اسف‌بار، دختران نوجوان هرمزگان رفتند تا ته دره مرگ. برخی‌شان نجات یافتند و برخی حالا با پدیده قطع عضو مواجه‌اند. یکی‌شان مثل محدثه حالا یک دست و یک پایش را از دست داده و زندگی در فرداروز، برایش جور دیگری رقم خواهد خورد، آن‌هم در مینابی که فقر، بخشی از تجربه زیسته مردمان آن شده است. فاطمه سعیدی، نماینده پیگیر این پرونده، از جلسه امروز کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با حضور وزیر آموزش‌وپرورش خبر داده تا تصمیم نهایی درباره رسیدگی به پرونده این حادثه دلخراش گرفته شود. او پرداخت دیه را کوچک‌ترین خدمت به خانواده داغدار این دانش‌آموزان دانسته و درباره مصدومان حادثه نیز قول داده مجلس تا آخرین لحظه پیگیر مداوای آنها خواهد بود، به‌ویژه اینکه متأسفانه قطع عضو برای دختران نوجوان در منطقه‌ای اتفاق افتاده که حالا مسیر زندگی دشواری پیش‌روی آنها خواهد بود.

عکس: امین برنج کار، مهر

خانم سعیدی بالاخره تکلیف اردوها چه شد. پیگیری‌هایتان به کجا رسیده؟

حادثه که اتفاق افتاد، از وزیر خواستم لغو اردوها را اعلام کند. خب البته لغوکردن یک‌شبه آیین‌نامه‌های اردوهای دانش‌آموزی کار آسانی نبود. آن‌موقع گفتم اگر لغو اردوها اعلام نشود، از خانواده‌ها می‌خواهم تا اطلاع ثانوی رضایت ندهند بچه‌ها به اردو بروند. خوشبختانه آقای وزیر لغو اردوها را اعلام کرد تا اصلاح آیین‌نامه انجام شود. اصلاح آیین‌نامه اردوهای دانش‌آموزی هم کار زمان‌بری است.

خبر استعفای یک مقام مسئول در هرمزگان را حتما شنیده‌اید، این استعفا چه معنایی داشت؟

بله؛ البته کاش به جای رئیس سازمان دانش‌آموزی هرمزگان، مدیر کل استعفا می‌داد.

آخرین پیگیری‌هایتان به کجا رسیده است؟

الان پیگیر این هستم که آیا از دانش‌آموزان این اردو رضایت‌نامه گرفته شده است یا نه.

برخی خبرها حکایت از آن دارد که احتمالا رضایت کسب نشده، چون گروهی دنبال کسب رضایت افتاده‌اند.

من ۲۰ سال مدیر مدرسه بودم؛ بنابراین فرایند اردوفرستادن دانش‌آموزان برایم مشخص است. بدون مجوز و رضایت خانواده اردو محال است. رضایت‌نامه‌ها در مدرسه نگهداری شده و بعدتر برای اداره آموزش‌وپرورش فرستاده می‌شود، اما حالا سؤال‌های ما زیاد است، اینکه آیا اینها بیمه بوده‌اند یا نه؟

حالا اگر خبر صحت داشته باشد، چطور؟

اگر صحت داشته باشد من واقعا متأسفم برای کل سیستم سازمان دانش‌آموزی ایران و نه‌تنها استان هرمزگان. چنین اتفاق ناگواری در قالب ضایعه ملی رقم خورده و تأسف می‌خورم به حال مسئولان امر. در این موضوع حتی یک قدم عقب نمی‌نشینیم و صددرصد پیگیر زوایای امر خواهیم بود. این ادعای رضایت به بهای هشت میلیون اگر صحت داشته باشد جزء فاجعه‌بارترین و اسف‌بارترین اتفاق‌هایی است که می‌تواند در سیستم آموزش‌وپرورش یک کشور رخ دهد.

در فرایند پیگیری‌ها با مشکلی مواجه شده‌اید؟

راستش هنوز آمار دقیق را صریح نمی‌گویند، تعداد کشته‌ها، تعداد قطع عضو و اینکه اصولا قطع نخاع اتفاق افتاده یا نه.

فقر یکی از نخستین تصاویری است که از این منطقه مخابره شده، پیشنهاد عملیاتی شما برای جبران این حادثه برای خانواده‌ها و مردم این منطقه چیست؟

پرداخت دیه قطعی است. صدور مجوز اردوی دانش‌آموزی شرایطی دارد؛ تا دانش‌آموز و ماشین بیمه نباشد اجازه صدور اردو امکان‌پذیر نیست. باید ببینم اصلا بیمه‌ای در کار بوده یا نه، اگر نباشد آموزش‌وپرورش قطعا باید دیه کامل را پرداخت کند و این قطعی است.

تکلیف دیگر مصدومان حادثه چه می‌شود؟

واقعا در آن منطقه دورافتاده، فقر نخستین تصویری است که به ذهن می‌آید. حالا تصور کنید که فردی قطع عضو شده و باید همان‌جا ادامه حیات دهد؛ واقعا سخت است. پذیرش این مسئله سخت است. ضایعه صرفا فیزیکی نیست، ابعاد روانی ماجرا برای خانواده‌ها اسف‌بار است. وزارت آموزش‌وپرورش باید تمام کوتاهی‌ها را جبران کند. هزینه درمان نیز به‌طور کامل بر عهده وزارت آموزش‌وپرورش است و این وزارتخانه برای کمک‌های معنوی و حمایت از خانواده‌ها نیز باید به فکر باشد و امکان مشاوره برای باقی‌ماندگان این حادثه و به‌ویژه مصدومان را فراهم آورد.

پیشنهاد مشخصتان برای این جبران چیست؟

گفت‌وگوها را که می‌خوانیم می‌بینیم این دختران دغدغه‌شان ادامه تحصیل بوده و خیلی دوست نداشته‌اند در سن پایین ازدواج کنند؛ برای این کار حتی راضی بودند بروند خانه کسی کار کنند. اینها همه نشانه است برای جناب وزیر تا روی آموزش دختران این منطقه کار ویژه انجام شود. مدارس تجهیز شود و اصلا میناب یک پایلوت ارتقای آموزش در مناطق محروم کشور شود. البته بعید می‌دانم پرداخت دیه و ساخت مدارس و تأکید بر ادامه تحصیل دانش‌آموزان و به‌ویژه دختران بتواند جبران مافات باشد. فاجعه اسف‌بارتر از اینهاست. تصویر دختران قبل از اردو را ببینید؛ همه چهره‌شان خندان است، خوشحال‌اند که دارند می‌روند اردو، شاید نخستین سفرشان بوده در زندگی؛ ذوق داشته‌اند، اما سرانجامشان به ته دره رسید، به کام مرگ.

سخن آخر...

استعفای رئیس سازمان دانش‌آموزی هرمزگان کار خوبی بود، اما این نمی‌تواند نشانی باشد از اینکه مسئولان ما به اشتباه فاحششان اعتراف کرده‌اند. انتظار داشتم استعفاهای دیگری را هم شاهد باشیم و معذرت‌خواهی‌های دیگر. متأسفانه در یک مسئله به این بزرگی استعفای رئیس سازمان دانش‌آموزی هرمزگان بدون شک نمی‌تواند دردی از دردها دوا کند.

در میزگرد حق تابعیت مطرح شد:

شناسنامه ایرانی؛ حق یا امتیاز

شرق: نتیجه محدودیت‌های قانونی انتقال تابعیت از مادر به فرزند، وجود هزاران میلیون کودک بدون شناسنامه در ایران است. همین مسئله باعث شد تا مجلس در ماه‌های گذشته به ماجرا ورود کند تا قانون تابعیت را اصلاح کند. بخشی از بندهای آن هم اصلاح شد، اما بعد از اینکه دولت اعلام کرد قرار است لایحه جدیدی درباره قانون تابعیت، تدوین و به مجلس ارسال کند، کمیسیون حقوقی قضائی مجلس هم دست نگه داشت تا لایحه دولت به مجلس برسد. سایت داتیکان با طیبه سیاوشی، نماینده مجلس و بهشید ارفع‌نیا، حقوق‌دان، درباره حق انتقال تابعیت از مادر به فرزند گفت‌وگو کرده است.

بهشید ارفع‌نیا با اشاره به اینکه مشکل ما در نداشتن قانون نیست، بلکه در اجرانکردن قانون است، گفته: «واقعا نمی‌دانم چرا وقتی قانون موجود است، مدام ماده‌واحده به آن اضافه می‌کنند. تمامی این مباحث در قانون ما بوده است. در اوایل دهه ۸۰ وزارت امور خارجه برای اصلاح بندهای ۴، ۵ و ۶ ماده ۹۷۶ که مقداری مشکل‌زا بود مسائلی را مطرح کرد. شاید یکی از مباحث مورد مناقشه، بند ۴ ماده ۹۷۶ است که عملا زن خارجی را بر زن ایرانی ترجیح داده است. بر اساس این بند، بچه متولد از زن خارجی که در ایران به دنیا آمده باشد، دارای تابعیت ایران دانسته می‌شود، ولی بچه متولد از مادر ایرانی که با فرد خارجی ازدواج کرده بود حتی اگر در خاک ایران هم به دنیا آمده باشد، ایرانی محسوب نمی‌شود که این خیلی غیرعادی بود. بااین‌حال شناسنامه‌هایی برای این افراد صادر می‌شد. این شرایط ادامه داشت که بعد از مدتی تصمیم گرفتند اصلاحاتی انجام دهند، ولی عملا اوضاع پیچیده‌تر و بدتر شد. اصلاحات انجام‌شده به این صورت بود که ایرانی‌بودن مادر را محسوب نکردند و تنها تولد در ایران را ملاک قرار دادند. بعد از انقلاب و در سال ۶۳ همین مسئله از سوی مسئولان مربوطه تأیید شد. استدلال مسئولان برای ندادن تابعیت به فرزندانی که از مادر ایرانی و پدر غیرایرانی در ایران متولد شده بودند این بود که این احتمال می‌رفت مرد خارجی ممکن است مسائل امنیتی داشته باشد. بااین‌حال باید مدنظر داشت که ممکن است این اتفاق به صورت برعکس هم رخ دهد؛ یعنی یک زن خارجی که با مرد ایرانی ازدواج می‌کند جاسوس باشد یا مشکلات امنیتی ایجاد کند. این در حالی است که قانون ما به زن خارجی که با مرد ایرانی ازدواج کند بدون هیچ شرط‌وشروطی تابعیت ایران می‌دهد». ارفع‌نیا در ادامه گفت: «سؤال اینجاست که چرا باید زن خارجی به صرف ازدواج با مرد ایرانی تابعیت ایرانی بگیرد؟ در هیچ‌جای دنیا این مسئله مرسوم نیست. یکی از شروطی که به نظر من بسیار عجیب‌وغریب است این است که شخص سابقه کیفری- امنیتی نداشته باشد. تا پیش از این من این اصطلاح را نشنیده بودم. شرط دوم نیز این بود که فرد تابعیت دیگری نداشته باشد. درحالی‌که این مورد هم در بند ۵ ماده ۹۷۶ و ماده ۹۷۷ وجود داشته است. بنابراین ما تمامی این قوانین را داشته‌ایم، ولی متأسفانه اجرا نمی‌شده که این مشکل همیشگی قوانین در ایران است. من خودم پرونده‌ای داشتم؛ پسری بود که مادرش ایرانی بود و پدرش افغانی و در ایران هم به دنیا آمده بود. ۲۷ سال داشت و هیچ‌وقت از ایران خارج نشده بود. من برای او دادخواستی مبنی‌بر اعطای تابعیت نوشتم که بتوانم برای این فرد تابعیت ایرانی بگیرم، ولی قاضی بدون هیچ دلیلی به من گفت که صلاح نیست تابعیت بدهیم. من به قاضی گفتم مگر قانون نداریم؟ مگر جز این است که بر اساس بند ۵ ماده ۹۷۶ این فرد می‌تواند تابعیت ایرانی داشته باشد؟ قاضی به‌راحتی گفت قانون داریم، ولی صلاح نیست و تابعیت نیز اعطا نکرد. بنابراین مشکل ما همین سلیقه‌ای عمل‌کردن و عدم اجرای قوانین است».

ارفع‌نیا با اشاره به اینکه بسیاری از کشورها هستند که در آنها تابعیت از طریق خون منتقل می‌شود، گفته است: «ولی مسئله اینجاست که در آن کشورها تفاوتی بین خون مرد و زن قائل نیستند. من گاهی به شوخی در کلاس درس می‌گویم که در ایران انگار بچه از پدر به دنیا می‌آید. در کشور ما به‌هیچ‌عنوان تابعیت از طریق مادر تعلق نمی‌گیرد که این یک نقص بزرگ محسوب می‌شود. این مشکل مربوط به امسال و پارسال نیست و چندین‌سال است که با این مسئله درگیر هستیم. در این زمینه ما کنفرانس‌های زیادی برگزار کردیم، جلسات زیادی برگزار شد، ولی متأسفانه کماکان هیچ اتفاق مثبتی نیفتاده است. متأسفانه این مشکل در ایران وجود دارد که نمایندگان مجلس برای تصویب یک قانون، از حقوق‌دانان نظرخواهی می‌کنند، ولی در نهایت نظر خودشان را اعمال می‌کنند. درخصوص همین بحث تابعیت، ما چندین جلسه در کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس برگزار کردیم و در آنجا اکثر قریب‌به‌اتفاق معتقد بودیم که باید به افرادی که حاصل ازدواج مادران ایرانی با مردان غیرایرانی هستند و در ایران نیز به‌دنیا آمده‌اند، تابعیت داده شود. در یکی از جلسات من گفتم که بیاییم نظرسنجی کنیم، ولی متأسفانه یکی از نمایندگان مجلس گفت نه و نمی‌شود به این شکل نظرسنجی کرد. من هم متوجه شدم که این افراد به دنبال این هستند که نظر خودشان را اعمال کنند و فقط از نام ما برای تأیید نظرسنجی‌خود سوءاستفاده کنند».

عکس: مهدی حسنی

کم‌کاری صداوسیما درباره تابعیت

طیبه سیاوشی هم با اشاره به اینکه در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی گفته شده است که اگر زن ایرانی بخواهد با مرد خارجی ازدواج کند باید از وزارت کشور مجوز بگیرد، گفته است: «درحالی‌که بیش از ۹۹ درصد این ازدواج‌ها بدون مجوز صورت می‌گیرد. این افراد اگرچه عقدشان صحت شرعی دارد، ولی صحت قانونی ندارد. مهم‌ترین استناد وزارت اطلاعات و سایر نهادها که با اعطای تابعیت نیز مخالفت می‌کنند همین ماده ۱۰۶۰ است. بچه‌های این افراد هرچند در ایران به‌دنیا آمده‌اند، ولی از سوی وزارت کشور، اطلاعات و امور خارجه تابعیت به این افراد داده نمی‌شود زیرا ازدواجشان ثبت نشده است. ما تأکیدمان بر این است که تابعیت باید از مادر به فرزند منتقل شود. سه میلیون افغانی در ایران است و حدود یک میلیون بدون شناسنامه در ایران زندگی می‌کنند.

در این بین دخترانی هستند که در شرف ازدواج هستند ولی شناسنامه ندارند. من حدود چهار سال با این افراد کار کرده‌ام، ولی مشکل اساسی این است که ما نتوانستیم با دستگاه‌های اجرائی به تعامل درستی برسیم. دلایل این دستگاه‌ها عموما امنیتی است که بنده در اینجا نمی‌توانم بگویم. جدای از مباحث امنیتی، بحث مالی مانند گرفتن یارانه و مسائل بهداشتی و آموزشی را نیز باید در نظر گرفت. با این حال ما نمی‌توانیم وجود یک میلیون بچه بدون هویت را انکار کنیم. به همین منظور من بشخصه در مجلس با نمایندگان به صورت جداگانه صحبت کرده‌ام تا بتوانیم با یک همفکری این مشکل را برطرف کنیم».

سیاوشی در ادامه افزود: «درباره ماده ۱۰۶۰ باید گفت که بسیاری از خانواده‌ها حتی اطلاع ندارند برای ازدواج با یک فرد خارجی باید از وزارت کشور مجوز بگیرند. انتقاد ما به نهادهای اجرائی این است که امکان اطلاع‌رسانی این مسئله به طرق مختلف، از تلویزیون گرفته تا روزنامه‌ها و سایت‌ها وجود دارد ولی علت اینکه این اطلاع‌رسانی صورت نمی‌گیرد مشخص نیست. شاید اگر بسیاری از دختران و زنان ایرانی بدانند ازدواجشان با مرد خارجی نیازمند گرفتن مجوز از وزارت کشور است، درگیر بسیاری از مشکلات نمی‌شوند. این در حالی است که رسانه ملی برای مسائل مختلف هم تیزرهای تبلیغاتی درست می‌کند و هم نقش پررنگی دارد ولی درخصوص این مسائل و مواردی از این قبیل، هیچ‌گونه همکاری‌ای از سوی رسانه ملی صورت نمی‌گیرد. درباره بحث تابعیت من چند روز پیش در مجلس با اکثر اعضای کمیسیون حقوقی و قضائی گفت‌وگو کردم، در این بین آقای دکترمحمدجواد فتحی‌نظری را مطرح کرد مبنی بر اینکه باید از مردان خارجی که با ازدواج با زنان ایرانی و بچه‌دارشدن تابعیت ایران را می‌گیرند و عموما تبعه افغان هستند، سلب تابعیت شود مگر در شرایطی که این افراد نخبه باشند یا کارهای عام‌المنفعه کرده باشند. درواقع برنامه بر این است که تابعیت فقط از طریق ازدواج صورت نگیرد. چون بسیاری از خانواده‌های فقیر در ایران، در ازای گرفتن پول، دخترشان را به یک افغانی می‌دهند. با این حال ما معتقدیم قانون در کنار فرهنگ‌سازی می‌تواند بسیاری از مسائل را حل کند».

روزنه

توضیحات دیوان محاسبات درباره ادعای مختومه‌شدن پرونده حقوق‌های نامتعارف

● اداره کل روابط‌عمومی و امور بین‌الملل دیوان محاسبات کشور با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد فرایند قانونی حقوق‌های نجومی انجام شده یا در حال انجام است. در بخشی از متن اطلاعیه اداره کل روابط‌عمومی دیوان محاسبات کشور آمده: «همان‌گونه که بارها مورد تأکید قرار گرفته و به استحضار مسئولان و ملت شریف ایران رسیده است، مبنا و میزان در رسیدگی‌های دیوان محاسبات کشور، قانون، و عمل به آن، وظیفه ذاتی این نهاد نظارتی است. دراین‌راستا، ضمن تکذیب ادعای مطروحه توسط یکی از نمایندگان عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی مبنی بر مختومه‌نمودن پرونده حقوق‌های نجومی، اشعار می‌دارد: دیوان محاسبات کشور متعاقب طرح موضوع حقوق‌های نجومی و با الهام از فرمایشات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) با درک صحیح از شرایط حاکم بر جامعه، در عالی‌ترین سطوح، قبل از شروع فرایند رسیدگی نسبت به تشکیل جلسات متعدد و کارشناسی و تخصصی اقدام و ظرف مدت کوتاهی دریافت‌کنندگان را مجاب به استرداد وجوه به حساب‌های خزانه نمود. لذا مجددا تأکید می‌نماید تمامی اقدامات دیوان محاسبات کشور با الهام از فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و برمبنای قانون صورت پذیرفته و کماکان در حال انجام است. یقینا طرح مجدد و مکرر چنین موضوعاتی که مسیر قانونی رسیدگی آن طی شده یا در حال طی‌شدن است آن هم از ناحیه اشخاصی که خود با روند و فرایند انتخاب و ایفای وظایف مسئولان در دیوان محاسبات کشور به‌خوبی آشنا هستند و سال‌ها در این سازمان به ایفای همین وظایف براساس همین قوانین مشغول بوده‌اند جای تعجب و تأسف دارد و این تأسف زمانی افزایش می‌یابد که از لابه‌لای مطالب مطروحه در برخی از سایت‌ها به نقل از گوینده محترم، شائبه مطالبات غیرحرفه‌ای و فراقانونی به ذهن متبادر می‌گردد. یقینا محور رسیدگی در دیوان محاسبات کشور قانون است و این سازمان نظارتی با رعایت کلیه اصول حرفه‌ای در چارچوب موازین قانونی، وظایف محوله خود را به انجام رسانده و متأثر از گرایش‌های مختلف فکری نخواهد بود. لیکن به‌عنوان یکی از نهادهای حاکمیتی نظام اسلامی از کلیه اصحاب رسانه و صاحب‌منصبان کشور انتظار دارد از طرح غیرکارشناسی ذهنیات شخصی خود احتراز نمایند، چراکه طرح وارونه فرایندهای قانونی نتیجه‌ای جز افزایش بی‌اعتمادی در قاطبه افراد جامعه و آسیب به سلامت نظام اداری کشور نخواهد داشت. مع‌الوصف همان‌گونه که از محتوای مصاحبه مذکور برمی‌آید فرایند قانونی توسط هریک از ارکان دیوان محاسبات کشور، مستقل از سایر ارکان، درخصوص موضوع حقوق‌های نجومی انجام شده یا در حال انجام است و این مطلب نیز بارها توسط مسئولان دیوان و این اداره کل اطلاع‌رسانی شده است. بدیهی است در این فرایند هر پرونده، مستقل از پرونده‌های دیگر مورد رسیدگی و ارزیابی قرار گرفته یا می‌گیرد و هر واحد، وظیفه خود را با استقلال حرفه‌ای و به‌صورت‌جداگانه به انجام رسانیده یا می‌رساند که در بخشی از پرونده‌های رسیدگی‌شده با توجه به شرایط و قوانین حاکم بر پرداخت، تخلف احراز و محکوم شده است و در بخش دیگر نیز با توجه به قوانین حاکم بر آن تبرئه گردیده است. در نهایت آرائی که پس از طی مراحل حسابرسی و تنظیم دادخواست در هیئت‌های مستشاری (که منتخب کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی می‌باشند) صادر می‌گردد، اعم از تبرئه یا محکومیت مستند به مواد ۲۸ و ۲۹ قانون دیوان محاسبات کشور قابل اعتراض از طرف دادستان و محکومین و رسیدگی مجدد توسط حاکم شرع (رئیس محکمه تجدیدنظر) می‌باشد که مستند به تبصره ۱ ماده ۲۹ همان قانون منصوب رئیس محترم قوه قضائیه است».

فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی و دو مرحله ای شماره ۰۵۸/۹۶/ات

شرکت نفت فلات قاره ایران (سهامی خاص)

اجاره یک فروند شناور تعمیراتی نوبت دوم مجوز شماره ۱۳۹۶/۲۵۶۷

شرکت نفت فلات قاره ایران در نظر دارد نسبت به برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه فوق الذکر اقدام نماید:

الف : شرح مختصر خدمات : اجاره یک فروند شناور تعمیراتی

ب: محل اجرای خدمات :مناطق عملیاتی شرکت نفت فلات قاره در آبهای خلیج فارس

ج : مدت خدمات: دو سال

سایر موارد که می بایست مدنظر قرار گیرد:

۱-توانایی ارائه ضمانتنامه شرکت در مناقصه به مبلغ ۵.۰۱۰.۲۳۷.۶۰۰ ریال یا ۵۵۵/۰۲۸ درهم

۲ - توانایی ارائه ضمانتنامه انجام تعهدات به میزان ۱۰٪ مبلغ کل قرارداد، طبق ضوابط کارفرما در صورت برنده شدن

۳-به تقاضاهای مشروط ، مبهم ، ناقص و یا مغایر با شرایط مندرج در اسناد و مدارک و تقاضاهایی که بعد از مهلت مقرر دریافت گردد ، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۴-شرکت نفت فلات قاره ایران در رد یا قبول هر یک یا تمام پیشنهادات بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار خواهد بود.

۵-پیشنهادات مالی می بایستی حداقل سه ماه پس از وصول پیشنهادات به کمیسیون مناقصات شرکت نفت فلات قاره ایران دارای اعتبار و قابل تمدید برای یک دوره دیگر باشند.

۶-کسب حداقل امتیاز تعیین شده در ارزیابی کیفی، جهت دعوت در مناقصه فوق الذکر الزامی است .

از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت میشود تا حداکثر ظرف یک هفته پس از انتشار آگهی نوبت دوم ، با همراه داشتن معرفی نامه معتبر به آدرس ذیل مراجعه و حضوراً نسبت به دریافت مدارک ارزیابی کفیی اقدام نمایند.

ضمنا بایستی ظرف مدت ۱۴ روز پس از آخرین مهلت دریافت مدارک ارزیابی کیفی اطلاعات مورد درخواست به آدرس ذیل تحویل گردد.

محل و زمان تحویل و گشایش پیشنهادها در اسناد مناقصه قید می گردد.

نشانی محل اعلام آمادگی و تحویل اسناد ارزیابی کیفی : تهران ، خیابان ولی عصر ، نرسیده به تقاطع مدرس ،خیابان تورج ، خیابان خاکزاد ، شماره ۱۲، شرکت نفت فلات قاره ایران ، طبقه ۵، امور قراردادها ، تلفن ۲۳۹۴۲۵۱۰-۰۲۱

تبصره : متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر در روز آگهی نوبت دوم به سایت اینترنتی این شرکت به نشانی WWW.IOOC.CO.IR مراجعه نمایند.

روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران